

تبیین الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی

نوع مقاله: پژوهشی

بهرام رمزانی^۱

مجتبی ملکی چوبری^۲

سینا خردیار^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۲

چکیده

اصلاحات رفتاری می‌تواند بهبود قابل توجهی در درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی را به همراه داشته باشد، نظام مالیاتی باید عادلانه و شفاف باشد. این به معنای این است که مالیات‌ها باید به نسبت درآمد و ثروت افراد تعیین شود و همچنین اطلاعات درباره قوانین مالیاتی باید برای عموم قابل دسترس باشد. این اصلاحات رفتاری می‌تواند بهبود قابل توجهی در آگاهی عمومی درباره سیاست‌های مالیاتی و در نتیجه افزایش رعایت قوانین مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی داشته باشند. هدف پژوهش تبیین الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی است. در روش تحقیق حاضر پس از واکاوی سوابق نظری و تجربی، از روش کیفی و مصاحبه عمیق بر روی ۱۰ نفر از مدیران مالی با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و با نمونه گیری نظری، که به اشباع نظری رسیده است، سپس اطلاعات به دست آمده با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تحلیل قرار گرفت و مدل پارادایمی ساخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی (شامل مضامین شرایط علی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛ شرایط محوری: ساختار مالیاتی، کاهش فساد مالیاتی، اصلاح سیستم نظارت و اجرا مالیاتی؛ شرایط راهبردی: ترویج فرهنگ مالیاتی، کاهش تبعیض

۱ دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
b.ramazani67@gmail.com

۲ استادیار گروه حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران (نویسنده مسئول)
Mojtaba.Malekichoobari@iau.ac.ir

۳ دانشیار گروه حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
Kheradyar@iaurasht.ac.ir

مالیاتی و اصلاح سیستم مالیاتی؛ شرایط مداخله‌گر: اصلاحات قانونی و سیاست‌های مالیاتی؛ شرایط زمینه‌ای: سطح توسعه اقتصادی، سطح توانمندی مالیاتی و استقرار نظام مالیاتی عادلانه؛ شرایط پیامدها: افزایش تولید، افزایش قابلیت رقابتی اقتصادی و کاهش فساد مالیاتی) می‌تواند تاثیر داشته باشد.

کلمات کلیدی: بهبود درآمدهای مالیاتی، تولیدناخالص داخلی، اصلاحات رفتاری، نظام مالیاتی.

طبقه بندی JEL: H26, Q34, G4

مقدمه

نظام مالیاتی در هر کشور نقش بسیار مهمی در تأمین منابع مالی دولت و تأمین هزینه‌های عمومی دارد. اما برخی از کشورها با چالش‌هایی مانند کاهش درآمدهای مالیاتی و کاهش تولید ناخالص داخلی مواجه هستند که برای حل این چالش‌ها و بهبود وضعیت مالی کشور، الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی می‌تواند مفید واقع شود. الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی به منظور ارتقای نظام مالیاتی کشور و افزایش درآمدهای مالیاتی و تولید ناخالص داخلی می‌باشد. این الگو بر اصلاح رفتار و روش‌های عملکرد نظام مالیاتی تمرکز دارد تا بهبود درآمدهای مالیاتی و تولید ناخالص داخلی حاصل شود. برای پیاده‌سازی این الگو، اصلاحات مالیاتی متناسب با وضعیت و نیازهای کشور باید انجام شود. این اصلاحات ممکن است شامل تغییرات در قوانین مالیاتی، کاهش نرخ مالیاتی، افزایش تسهیلات مالیاتی برای کسب و کارها و افراد، تشدید نظارت و اجرا درست قوانین مالیاتی و افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت پرداخت مالیات می‌باشد که به طور همزمان با اصلاحات مالیاتی و رفتاری نیز باید متناسب با اهداف الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی انجام شود. این اصلاحات رفتاری می‌توانند شامل افزایش اعتماد عمومی به نظام مالیاتی، ترویج مفهوم مسئولیت مالیاتی، تشویق به پرداخت معافیت‌های مالیاتی درست، هدایت انگیزه‌های مالیاتی در جهت پرداخت مالیات و تنظیم سیاست‌های مالیاتی برای تشویق به افزایش تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری است. بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی می‌تواند اثرات مثبتی بر اقتصاد کشور داشته باشد. افزایش درآمدهای مالیاتی به دولت کمک می‌کند تا بتواند بهترین خدمات عمومی را به شهروندان ارائه دهد و تولید ناخالص داخلی افزایش یابد که منجر به ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی شود.

در سال‌های اخیر، سیرشتابان و مستمر رویدادهای، به طور تدریجی مرزها، ساختار و پویایی فضای کسب و کار را دگرگون ساخته و تمامی شرایط و تغییرات محیطی را با معاف از مالیات نماید (جهانگیروند و همکاران، ۱۴۰۰). از آن جا که بسیاری از کشورها در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته نیاز بیشتری به گسترش زیر ساخت‌ها، آموزش و بهداشت دارند، لذا دستیابی به سطوح بالاتری از درآمدهای مالیاتی برای آن‌ها ضرورت است (مهاجری و همکاران، ۱۳۹۹). اصلاحات رفتارهای مالیاتی می‌تواند از فرار مالیاتی در کشور جلوگیری نماید، که درآمدهای آن می‌تواند از شفافیت مالیاتی را در پی داشته باشد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱). امروزه شناسایی مشکلات سیستم‌های مالیاتی و رفع مشکلات، شاخص‌های سیاست‌ها در زمان بحران اقتصادی ناشی از شرایط کشور می‌باشد نظام مالیاتی به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های تنظیم

فعالیت های اقتصادی و اجتماعی در کشور عمل می نماید، یک سیستم مالیاتی کلید توسعه اقتصادی باثبات دولت است که می تواند به نوبه خود تامین سیاست های مالی و برنامه های دولتی مدیریت اقتصادی و اجرای وظایف اصلی را منعکس نماید (ساویتکا و همکاران، ۲۰۲۲)، از مشکلات اجرایی سیستم مالیاتی پایین بودن سطح وصول مالیات می باشد که وقفه ها قانونی و غیرقانونی در جمع آوری مالیات ها بین زمانی که می بایست مالیات پرداخت شود تا زمانی که مالیات واقعا پرداخت شود فاصله ایجاد می نماید (نظری و فدایی، ۱۳۹۲)

مالیات همیشه یک موضوع اساسی در اقتصاد سیاسی بوده است زیرا یکی از عملیات های اصلی همه دولت ها پیش نیاز درآمدهای مالیاتی می باشد که می تواند زیرساخت های عمومی کشور را تحت تاثیر قرار دهد، هر مالیات یک منبع درآمدی است که نوسان های زیادی را در نظر می گیرد و مستلزم درجه سازمان یافته و پیشرفته حسابرسی مالیاتی است (میو و همکاران، ۲۰۲۲). شاخص های ضعیفی در مورد اصلاحات گسترده نسبت های شاخص های نظام مالیاتی وجود دارد که این موارد ناشی از نابرابری در وضعیت موجود می باشد که می تواند مکانسیم هایی را براساس سود های مالیاتی به خود جلب نماید (سچیچیتل، ۲۰۲۳)، توانایی پایین دولت ها برای ایجاد درآمدهای کافی برای تامین مالی مخارج یک مسئله مالی معمولی در اکثر کشورهای در حال توسعه است، در دهه گذشته کشورهای در حال توسعه به طور معمول مالیات هایی را جمع آوری کرده اند که تنها حدود ۱۳ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است (ورلدبانک، ۲۰۲۱)، جدای از عوامل اقتصادی، عوامل نهادی مانند حکمرانی ضعیف سازمانی و سطوح بالای مشکلات اداری یا تصور از سیستم های مالیاتی ناعادلانه در این مشکل نقش اساسی را می توانند داشته باشند حاکمیت ضعیف سیستم های مالیاتی پیچیده و ناکارآمدی را ارائه می دهد که به نوبه خود فرار مالیاتی و هزینه اصلاح مالیات را افزایش داده است (ساپاتونو و ماهمیو، ۲۰۲۲)، پیچیدگی های موجود در نسبت های نظام مالیاتی عامل فساد افسار گسیخته در اداره امور مالیاتی به ویژه در فرآیند وصول مالیات است، چنین شرایطی ساختار مالیاتی و ظرفیت جمع آوری درآمد یک کشور را تضعیف نموده و زیان قابل توجهی در دسترسی به بودجه برای ارائه خدمات عمومی ایجاد می نماید، در دراز مدت، فساد می تواند اخلاق مالیات دهندگان را از بین ببرد و اعتماد عمومی به

۱ Savitska et al.

۲ Mu et al.

۳ Schechtl.

۴ World Bank

۵ Saptano & Mahmud.,

نهادهای دولتی را کمرنگ نماید(ناواز، ۲۰۱۰). افزایش فساد و محدودیت ها باعث تضعیف درآمدها و تولید ناخالص داخلی در کشور شده است، که این موارد می تواند باعث کند شدن شاخص ها نسبت های مالیاتی و عدم رضایت در بخش مالیات گیرنده شود، محدودیت ها ایجاد شده فقط نسبت شاخص ها مالیاتی را در گیر نمی نماید بلکه کل عملکرد مالیاتی را دچار اختلال نموده است (میلسواجیسویسی و همکاران، ۲۰۲۳).

تولید ناخالص داخلی مهمترین شاخص وضعیت کلی یک اقتصاد در کشور می باشد که باید مورد توجه قرار گیرد، این عامل یک معیار استاندارد در سراسر کشورهای می باشد که سیاست گذاران برای تعیین اینکه آیا برای کاهش تورم، ثبات یا رشد اقتصادی به اقدامی نیاز است یا خیر به آن اعتماد می کنند، تولید ناخالص داخلی باید یکی از مجموعه اقداماتی باشد که حساب ها و معیارهای تکمیلی حساب های تولید داخلی اصلی حس خوبی از آینده یک کشور بدهد تا حدی که انتخاب های پرمخاطره، مملو از فرضیات هنجاری یا حدس و گمان در مورد آنچه آینده ممکن است به همراه داشته باشد اجتناب نمایند.(فارویومینی، ۲۰۲۲). تولید ناخالص داخلی یک شاخص کلیدی در سلامت اقتصاد می باشد که به راحتی در بین کشورها قابل مقایسه می باشد اما محدودیت هایی نیز در آن وجود دارد، تولید ناخالص داخلی یک اندازه گیری خنثی و هیچ قضاوتی در مورد اینکه چه فعالیت اقتصادی خوب و یا بد است صورت نمی گیرد(فاتماویتی، ۲۰۲۲).

وجود نسبت های مالیاتی بر اساس تغییرات سیاست های مالی ممکن است در زمینه یکپارچگی مالی مناسب نباشد، این سیاست ها اغلب از برنامه های چند ساله پیروی می کنند که در ساختار گسترده سازمانی نادیده گرفته شده و این می تواند نتایج مغرضانه ای را به همراه داشته باشد، این تغییرات در سیاست مالیاتی معمولاً به صورت پیش بینی نشده در نظر گرفته می شود(هایو و میرزاوا، ۲۰۲۲) نبود رشد اقتصادی صرفاً به این معنا نیست که در یک بازه زمانی معین، مثلاً یکسال، در تولید یا کل در آمد تغییراتی ایجاد شده است، زمانی یک کشور در حال رشد است که میزان دستمزدواقعی برای استفاده از عوامل تولیدی در یک سال معین بیشتر از سال های قبل باشد، موفقیت توسعه یک کشور یا منطقه براساس سطوح بالای و پایین رشد اقتصادی سنجیده می شود که این عوامل در افزایش تولید ناخالص داخلی ملی و منطقه ای می تواند متفاوت

۱ Nawaz

۲ Milosavljević et al.

۳ Fraumeni

۴ Fatmawati

۵ Hayo & Mierzwa

باشد (فاتماویتی، ۲۰۲۲). شرایط بهبود اقتصادی با توجه به وضعیت موجود کشور یک کار چالش برانگیز می باشد زیرا اصلاحات نسبت مالیاتی شامل ترکیبی از اقداماتی می باشد که باید در جهت حمایت و رشد اقتصادی و تغییرات برنامه ریزی شده براساس تفکر مالیاتی برخی مالیات ها کاهش دهنده رشد بوده و اصلاح این نظام مالیاتی باید به نحوی صورت گیرد که سطح بار مالیاتی تغییر نماید (میورین و ماسیک، ۲۰۲۱). سیاست های نسبت مالیاتی نقش مهمی در کسب درآمدهای بالاتر، ترویج نوآوری سرمایه گذاری و همسویی با مدل کسب و کار به ویژه در اقتصاد های نوظهور دارند، دولت ها برای بسیج منابع و تقویت ساختارها یک کشور به درآمدهای مالیاتی نیاز دارند، که بتوانند بهبودی را در رشد اقتصادی داشته باشد (بهالا و همکاران، ۲۰۲۲).

فقدان نظام جامع اطلاعات مالیاتی، تعدد نرخ های مالیاتی در بخش های مختلف اقتصادی از یک طرف و معافیت وسیع و متنوع مالیاتی از طرف دیگر، اعمال نظرات شخصی در فرآیند وصول مالیات ها، نادیده گرفتن بخش های از اقتصاد در فرآیند شمول مالیاتی، ناکافی بودن نظارت های فنی بفرآیندهای تشخیص و وصول مالیات و در پی آن گسترش فساد در برخی حوزه های مالیاتی از جمله مهمترین آسیب ها و کاستی های نظام مالیاتی ایران محسوب می شود (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۵) تاکنون به درآمدهای نفتی در ایران با توجه به ماهیت نوسانی و برون زا بودن بخش قابل توجهی از آن، اثرات نامطلوب و زیان باری را برای اقتصاد تحمیل کرده است، اقتصاد تک محصول، تورم پایدار، کاهش ارزش پول ملی گسترش ناکارآمدی بخش عمومی و تضعیف بخش های خصوصی نمونه ای از این آثار زیان بار در ایران می باشند، با توجه به این موارد به دنبال جایگزین کردن درآمدهایی به جای درآمدهای نفتی است که یکی از این درآمدها درآمدها مالیاتی می باشد (گرایی نژاد و چیردار، ۱۳۹۱)، شاخص نسب مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشور ما در طی سالیان گذشته همواره کمتر از ۱۰ درصد بوده است به گونه ای که هدف گذاری برنامه پنجم توسعه رسیدن به ۱۰ درصد عنوان شده بود که محقق نشد، در برنامه ششم توسعه نیز برای سال های ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ به ترتیب برابر با ۷/۴، ۸/۷ و ۹/۴ و برای سال ۱۴۰۰ به میزان ۱۰ درصد در نظر گرفته شده است، مقایسه این نسبت در ایران با دیگر کشورهای پیشرفته و نیز کشورهای با ساختار مشابه اقتصادی به خوبی وضعیت نامطلوب نظام مالیاتی کشور را نشان می دهد، شاخص نسبت مالیات ها به تولید ناخالص داخلی یا تلاش مالیاتی در ایران نسبت به سایر کشورها به طور معناداری پایین تر است (مکیان و همکاران، ۱۳۹۸)

۱ Fatmawati

۲ Murín & Macek

۳ Bhalla et al

زیربنای اقتصاد هر سازمانی را مسائل مالی آن سازمان تشکیل می دهد، استقرار نظام اقتصادی شکوفا با زیربنای مالی مستحکم در کشور، به افزایش درآمد و تقویت سلامت مالی بودجه از طریق برقراری ارتباط بهینه و مناسب بین منابع محدود و نیازهای نامحدود انسان کمک می کند، بی شک منابع انسانی یکی از مهمترین ارکان سازمان هاست و تک تک کارکنان در روند توسعه و پیشرفت سازمان ها دخیل هستند، بنابراین یکی از دلایل زمینه سازی موفقیت سازمان ها داشتن مودیان مالیاتی است که فراتر از وظایف خود تلاش نمایند، برآیندناکارآمدی نظام مالیاتی منجر به بروز چالش هایی شده که تداوم آنها در سالیان متمادی منجر به بروز مشکلاتی گردیده است، نسبت پایین مالیات به تولید ناخالص داخلی در دهه ها اخیر باعث گردیده که مالیات های علیرغم تمام اقدامات و تلاش های صورت گرفته نقش اندکی را در اقتصاد کشور داشته باشند، طی بررسی های صورت گرفته نشان داده شده که سهم اندک مالیات از تولید ناخالص داخلی در ایران می بایست توجه نمود که به دلیل وجود معافیت های گسترده عمدتاً از هدفمندی و کارایی لازم برخوردار نیستند، و میزان قابل توجهی از ارزش افزوده اقتصاد کشور مشمول مالیات نمی باشد، این امر باعث می شود که پایه مالیاتی کشور برحسب تولید ناخالص داخلی کاهش یابد، از سوی دیگر مالیات وصولی از بخش های مشمول مالیات نیز متناسب با میزان ارزش افزوده این بخش ها نمی باشد، تردید نیست که هر چه نسبت فرار مالیاتی به تولید ناخالص داخلی (GDP) بالا باشد، نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی تحت تاثیر قرار خواهد گرفت، عدم تقارن موجود در اطلاعات بین دولت (سازمان مالیات) و مودی (اشخاص حقیقی و حقوقی) فرار مالیاتی را کاهش و نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی را افزایش می دهد، اطلاعات نامتقارن و پیامدهای آن پیرامون بازار های بیمه، سرمایه، نیروی کار، و کالا تمرکز یافته که این بازارها بیشتر منعکس کننده تعاملات کسب و کارهایی می باشند که شاخص های نسبت مالیاتی به تولید ناخالص در آنها به درستی اعمال نشده است، این عدم اعمال وضعیت های مالیاتی، به تقارن اطلاعات به تعامل دولت و مودیان مالیاتی تعمیم داشته می شود که بنگاه ها اقتصادی اطلاعات بیشتری را از راندمان و کارایی تولید، تقاضای بازار و ظرفیت پرداخت مالیات از خود داشته باشند در حالی که دولت می خواهد مالیات ها براساس تولید ناخالص داخلی به حق وصول نماید که در این عوامل با مشکل اطلاعات ناکافی و نقص مواجه است.

پیشینه تحقیق

میلوسواجیسوی و همکاران^۱ (۲۰۲۳) پژوهشی را با عنوان چه چیزی باعث عملکرد ادارات مالیاتی در کشورها منتخب اروپایی می شود انجام داده اند، یک اداره مالیاتی موثر، کارآمد، منصفانه و قابل اعتماد برای هر کشوری در جهان اولویت اصلی است، با این حال اداره مالیات با مسائل زیادی مانند، فساد، اجتناب از پرداخت مالیات، یا عدم انعطاف پذیری مواجه هستند، برخی از کشورها در این فرآیند عملکرد بهتری را دارند، هدف این مقاله شناسایی عوامل اصلی عملکرد اداره مالیات می باشد، ما ۳۵ اداره مالیاتی در اروپا با ۱۲ بعد از عملکرد در ۲ سال متوالی (۲۰۱۸-۲۰۱۹) تجزیه و تحلیل کردیم، و یک شاخص سنجش عملکرد جامع با استفاده از رویکرد جمع آوری خنثی بر داده ایجاد کردیم، یافته ها نشان می دهد که دیجیتالی شدن ادارات مالیاتی تاثیر گذارترین محرک عملکرد کلی اداره مالیات است، کشورهای شمال اروپا و سوئیس می توانند به عنوان الگو برای عملکرد اداره مالیات عمل کنند، نتایج در سطح کشور می تواند به عنوان نماینده ای برای درجه اقتصاد سایه عمل می کند، این یافته های سیاست گذاران اروپایی را در مورد اقدامات سیاستی مناسب مورد نیاز برای بهبود عملکرد اداره مالیات راهنمایی می نماید.

ساویتکس و همکاران^۲ (۲۰۲۲) پژوهشی را با عنوان وضعیت فعلی و چشم انداز سیستم های مالیاتی اوکراین و کشورهای اتحادیه اروپا در طول همه گیر کووید ۱۹ انجام داده اند، در آغاز سال ۲۰۲۰ جهان با چالش های بزرگی به دلیل همه گیری کووید ۱۹ مواجه شدند، پاسخ ها به این چالش ها توسط دولت تقریباً همه کشورهای جهان به طور فعال در اقدامات مالیاتی با هدف حمایت از شهروندان و مشاغل تجلی یافته است، وضعیت مالیاتی در برخی از کشورهای اتحادیه بحران به عنوان یک بحران تبدیل شده است، این روش یک تحلیل مقایسه ای می باشد که سطوح نرخ های مالیات را در اوکراین و برخی از کشورهای اتحادیه اروپا مقایسه می کند، سطح بهینه درآمدهای مالیاتی به بودجه دولت تعیین شده است، سطح درآمدهای مالیاتی به بودجه تلفیقی اوکراین تجزیه و تحلیل شده و جهت های اصلی برای بهبود سیستم مالیاتی اوکراین شناسایی شده است، ضرورت تمرکز بر ترجیح کشورهای بسیار توسعه یافته اتحادیه اروپا در زمینه مالیات با در نظر گرفتن اجباری ویژگی های ملی ثابت می شود.

ساپتونو و محمود^۳ (۲۰۲۲) پژوهشی را با عنوان محیط سازمانی و عملکرد مالیاتی در اقتصادهای در حال توسعه انجام داده اند، برخلاف مطالعات قبلی، این مقاله اثرات همزمان و تاخیری

^۱ Milosavljević et al.

^۲ Savitska et al.

^۳ Saptano & Mahmud

متغیرهای نهادی بر عملکرد مالیاتی را با استفاده از داده‌ها در ۷۹ کشور در حال توسعه برای دوره‌های سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۹ بررسی می‌کنند، متغیر ابزاری و مدل‌های تخمین روش تعمیم یافته‌هایی می‌باشد که برای پرداختن به تعصبات درون‌زایی بالقوه و مشخصات در مدل تخمین استفاده شده است، به طور کلی این مطالعه نشان داد که کشورهایی با سطوح پایین فساد و کیفیت حکمرانی خوب می‌توانند درآمدهای مالیاتی بیشتری تولید کنند، علاوه بر این تأثیر تأخیر متغیرهای نهادی، که بسیار اساسی‌تر از تأثیرات امروزی آنها هستند، بینش معناداری را ارائه می‌دهند، تلاش برای مبارزه با فساد و بهبود کیفیت حکمرانی باید هر چه زودتر انجام شود تا درآمدهای مالیاتی بهینه در آینده به دست آید این تلاش را می‌توان با ساده‌سازی اداره مالیات انجام داد تا فرصت‌های رشوه و فساد و کاهش یابد.

هایو و میرزیوا^۱ (۲۰۲۲) پژوهشی را با عنوان اعلامیه‌های مالیاتی قانونی و تولید ناخالص داخلی که در ایالات متحده، آلمان و بریتانیا انجام داده‌اند، تأثیر اعلام تغییرات مالیاتی قانونی بر تولید ناخالص داخلی در ایالات متحده، آلمان و بریتانیا مورد مطالعه قرار گرفته است، با استفاده از اطلاعات مورد بررسی تغییرات مالیاتی آتی در سه ماهه به بدنه اصلی سیاست‌های سازمانی معرفی می‌شوند، فعالیت‌های اقتصادی در ایالات متحده نسبت به بریتانیا کاهش می‌آید و نسبت به آلمان افزایش یافته است، وقتی به سیستم این اجازه داده می‌شود که در چرخه تجاری متفاوت باشد نشان از شواهدی است که می‌تواند تولید ناخالص داخلی ایالات متحده بدون توجه به چرخه تجاری کاهش یابد، در حالی که تولید ناخالص داخلی بریتانیا در زمان‌های غیر رکود افزایش می‌یابد، ما اثرات قابل توجهی را برای تولید ناخالص داخلی در آلمان نیز می‌توانیم پیدا کنیم، که در زمان رکود افزایش می‌یابد، به طور کلی مصرف سرمایه‌گذاری و اشتغال در مسیر تولید ناخالص داخلی قرار می‌گیرند.

فاتماواتی^۲ (۲۰۲۲) پژوهشی را با عنوان فعالیت‌های تامین مالی و سرمایه‌گذاری هزینه‌های دولتی در محصول ناخالص داخلی انجام داده‌اند، رشد یک اقتصاد تحت تأثیر عوامل بسیاری اعم از خردوکلان می‌باشد که ابزارهای اقتصادی مالی به صورت مستقیم با پویایی تولید ناخالص داخلی رابطه نزدیکی داشته بنابراین توجه ویژه‌ای به آن‌ها شده است، رشد اقتصادی تحت تأثیر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، تامین مالی و مخارج دولتی می‌باشد که می‌تواند با توجه به بررسی پدیده‌های کمی با تکنیک تحلیل مدل می‌شود، در این تحلیل سعی بر این است که ببینیم کدام مدل با داده‌های واقع‌بینانه در تأثیرگذاری بر رشد اقتصادی بهتر است، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در

^۱ Hayo & Mierzwa

^۲ Fatmawati

مدل های برآورد کلی این احتمال وجود دارد که رشد اقتصادی تحت تاثیر مخارج دولتی، فعالیت های سرمایه گذاری و تامین مالی بانکی می باشد، اما در آزمون مدل بلندمدت عامل مخارج دولتی تنها متغیری است که در این تحقیق روند مثبتی را به سمت رشد اقتصادی دارد زیرا فرصت بیشتری در حرکت بخش اقتصادی دارد.

نتایج حاصل از تحقیقات نشان داده که نرخ مالیات، ساختار مالیاتی و الزامات مالیاتی تأثیر قابل توجهی بر رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی دارند. افزایش نرخ مالیات می تواند منجر به کاهش تولید و سرمایه گذاری شود، در حالی که رفتار ساختار مالیاتی با تمرکز بر مالیات بر درآمد و سرمایه گذاری می تواند به رشد اقتصادی تشویق کننده باشد. همچنین، الزامات مالیاتی برای ایجاد اشتغال، تحقق اهداف محیط زیستی و توسعه صنایع نوآورانه نیز می توانند به رشد اقتصادی کمک نمایند. برای ایجاد تعادل مناسب بین جذب درآمد مالیاتی و تشویق سرمایه گذاری، باید ساختار مالیاتی به گونه ای طراحی شود که از یک سو سبب افزایش درآمد مالیاتی و ایجاد عدالت در تقسیم بار مالیاتی و از سوی دیگر سرمایه گذاری را تشویق نموده و انگیزه افراد برای تولید و کسب درآمد را حفظ کند. با توجه به اهمیت رفتار نظام مالیاتی در توسعه اقتصادی، بهبود آن باید در دستور کار سیاست گذاران قرار گیرد. این بهبود می تواند به وسیله کاهش نرخ مالیات، ساده سازی ساختار مالیاتی، حذف تکالیف مالیاتی غیر ضروری و اصلاح الزامات مالیاتی انجام شود. همچنین، نیاز به هماهنگی بین نظام مالیاتی و سایر سیاست ها نیز به خصوص در زمینه های اشتغال، محیط زیست و نوآوری، بسیار ضروری است. همچنین با توجه به اینکه نظام مالیاتی در هر کشور متفاوت است و وابسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی آن کشور است، هر گونه اصلاحات در نظام مالیاتی باید با توجه به شرایط و نیازهای خاص هر کشور انجام شود. همچنین، تحقیقات بیشتر در این حوزه نیز مورد نیاز است تا تأثیر اصلاحات مالیاتی بر تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی به شکل دقیق تری بررسی شود. به طور کلی، اصلاح نظام مالیاتی و بهبود درآمد مالیاتی می تواند به رشد اقتصادی کمک و اشتغالی را تسهیل نماید؛ توازن در تقسیم بار مالیاتی را فراهم کرده و تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی را تسریع نماید.

سوالات پژوهش

شرایط علی الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی کدامند؟

شرایط زمینه ای الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی کدامند؟

شرایط پدیده اصلی الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی کدامند؟

شرایط مداخله گر الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی کدامند؟

ابزار و روش ها

برای پاسخ به سؤال تحقیق از روش‌شناسی کیفی استفاده شده و از حیث فلسفه پژوهش در زمره پارادایم اثبات‌گرایی از نوع کاربردی و از حیث سبقه پژوهش کیفی و کمی، دارای رویکرد استقرائی و قیاسی و راهبرد پیمایشی است. این پژوهش از حیث هدف اکتشافی است و به اکتشاف متغیرها و ارتباط علی آن‌ها می‌پردازد. اطلاعات موردنیاز با استفاده از مصاحبه از خبرگان جمع‌آوری و به صورت کیفی از نرم‌افزار Maxqda2020 استفاده شده است. جامعه پژوهش تحقیق حاضر شامل مدیران مالی در نظام مالیاتی کشور بوده‌اند. با استفاده از روش غیراحتمالی قضاوتی (هدفمند) نمونه‌گیری انجام شده است. مصاحبه با نمونه‌های پژوهش انجام شد. ویژگی‌های خبرگان صاحب‌نظران حوزه مالی؛ مدیران و کارشناسانی در نظر گرفته شده است. برای شناسایی الگوی بهبود درآمد مالیاتی و اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی با ۸ نفر از مدیران نظام مالیاتی و ۱۲ از نمایندگان کارشناسان مصاحبه شد. به منظور نمونه‌گیری از روش گلوله برفی استفاده شده و مصاحبه به صورت نیم ساختاریافته با سؤالات باز و کلی تا ۱۰ نفر انجام شد تا به اشباع داده‌ها رسیدیم ولی جهت اطمینان بیشتر تا ۲۰ نفر مصاحبه انجام شد. همچنین براساس تحقیقات کلارک (۲۰۰۵)، در ارائه مدل‌هایی که شرایط کنونی تأثیر زیادی در تغییرات ارکان اصلی مدل دارد، تحلیل داده بنیاد مفید است. در نهایت با استفاده از تکنیک داده بنیاد با استفاده از نرم‌افزار Maxqda2020 عوامل شناسایی گردید.

یافته‌های پژوهش

در مرحله نخست به گردآوری داده‌های کیفی از خلال مصاحبه‌های عمیق با گروه خبرگان انجام شد. در فرآیند کدگذاری باز، مضمون‌های بسیاری حاصل شد که طی فرآیند رفت و برگشتی تحلیل داده‌ها، مجموعه این داده‌های کیفی اولیه به مقوله‌های کمتری تقلیل یافت. سپس به بررسی هر یک از این مقوله‌های به دست آمده در مرحله کیفی پرداخته شد. در ادامه به بررسی مصاحبه‌ها و سپس شاخص‌های استخراجی از متون و مصاحبه‌ها اشاره شده است. این مرحله به منظور مقایسه و تمایز کدها و مفاهیم، موارد پیچیده‌تر و جامع‌تری را ارائه می‌دهد. در این مرحله با شناسایی

الگوهایی در درون یافته‌ها، دسته‌های اولیه شکل می‌گرفتند. همچنین در این مرحله از تحلیل داده‌ها، همزمان با جمع آوری داده‌های جدید، محققان با درگیر بودن در فرآیند همسنجی پیوسته، به میزان دریافت اطلاعات جدید در دسته‌ها و بنابراین به اشباع رسیدن آن‌ها توجه داشتند. یک دسته، نشانگری از واحدهای اطلاعات درباره حوادث، پیشامدها و مصداقها است، به‌طور معمول پدیده محوری، دسته‌ای در میان داده‌های جمع‌آوری شده است که به صورت وسیعی در خلال مصاحبه‌ها از آن نام برده شده یا از جنبه نظری، در شکل مفهومی مرکزی و بنیادی پدیدار می‌شود کرسول و جان دبیلو، (۱۳۹۸). اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸)، انواع دسته‌هایی که پیرامون پدیده محوری می‌توانند جای بگیرند را شامل: شرایط علی (عواملی که سبب پدیدار شدن مقوله محوری می‌شوند)، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر (عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر اجرای راهبردهای مدل)، راهبردها (استراتژی‌های پیشنهادی در واکنش به پدیده محوری) و درنهایت پیامدها (نتایج به کارگیری راهبردها) برشمردند.

به منظور تحلیل داده‌ها و بساخت طراحی تبیین الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی از تحلیل مضمون و شبکه مضامین استفاده شده است.

جدول ۱- فرایند کدگذاری نظری به منظور کشف مضامین پایه، سازمان یافته بهبود درآمد

مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی

مفاهیم	مقوله‌ها	مقوله‌های عمده	نوع مقوله
درآمد شخص، پرداخت مالیات، مالیات درآمد، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر املاک و مستغلات	نرخ مالیاتی، نوع مالیات، سیستم پرداخت مالیات	ساختار مالیاتی کاهش فساد مالیاتی اصلاح سیستم نظارت و اجرای مالیاتی	(محوری)
قوانین و مقررات مالیاتی، انتشار اطلاعات، تقویت نظارت و بازرسی، آموزش و آگاهی‌بخشی، اهمیت پرداخت مالیات، عواقب تخلفات مالیاتی	تشدید قوانین مالیاتی، افزایش شفافیت، تقویت نظارت و بازرسی		
صحت اظهارنامه‌های مالیاتی، افزایش همکاری و هماهنگی بین نهادهای مالیاتی، پیگیری تخلفات مالیاتی	تقویت نظام نظارتی، افزایش همکاری بین نهادها، استفاده از فناوری		
ساختار صنعتی، نوع اقتصاد	ساختار اقتصادی،	اقتصادی	(علی)

نوع مقوله	مقوله های عمده	مقوله ها	مفاهیم
	اجتماعی سیاسی	سطح توسعه اقتصادی	
		فرهنگ مالیاتی، توزیع درآمد و عدالت مالیاتی	جامعه و نگرش افراد، رفتار مالیاتی، توزیع عادلانه درآمد و پرداخت مالیات، عدالت مالیاتی
		سیاستها و برنامه‌های دولت، قدرت و تأثیر نهادهای سیاسی	سیاستها و برنامه‌های دولت، قانونگذاری، توانایی تغییرات سیاسی و قانونی
راهبردها	ترویج فرهنگ مالیاتی کاهش تبعیض مالیاتی اصلاح سیستم مالیاتی	آموزش و اطلاع‌رسانی، ترویج اخلاق مالیاتی	آموزش و اطلاع‌رسانی مناسب، اثرات مثبت آن بر جامعه و اقتصاد، ترویج ارزش‌ها و اخلاقیات، همکاری بین افراد و دولت
		تعادل در بار مالیاتی، کاهش معافیت‌ها و استثنائات	توزیع بار مالیاتی، کاهش تبعیض در برابر مالیات، استثنائات مالیاتی،
		ساده‌سازی قوانین مالیاتی، تعادل در ساختار مالیاتی	ساده‌سازی و واضح‌سازی قوانین مالیاتی، اصلاح ساختار مالیاتی، تعادل بین مالیات درآمدی
(زمینه ای)	سطح توسعه اقتصادی سطح توانمندی مالیاتی استقرار نظام مالیاتی عادلانه	رشد اقتصادی، تنوع اقتصادی	افزایش درآمد ملی، توسعه اقتصادی، تنوع بخش‌های اقتصادی،
		آگاهی و آموزش، توانایی اجرایی، نظام ثبت و گزارشگری	سطح آگاهی و آموزش مردم و کارکنان مالیاتی، برنامه‌ها و قوانین مالیاتی، توانایی نهادهای مالیاتی، ثبت و گزارش درآمدها و هزینه‌ها
		توزیع عادلانه بار مالیاتی، کاهش نابرابری، اصلاح نظام مالیاتی	توزیع منصفانه بار مالیاتی، کاهش نابرابری اقتصادی و اجتماعی، اصلاح قوانین و مقررات مالیاتی، ایجاد عدالت مالیاتی.
(مداخله گر)	اصلاحات قانونی سیاست های مالیاتی	تغییر در قوانین مالیاتی، اصلاحات ساختاری	تغییر در قوانین و مقررات مالیاتی، بهبود و اصلاح نظام مالیاتی، عدالت مالیاتی معافیت‌ها، مبانی درآمدی

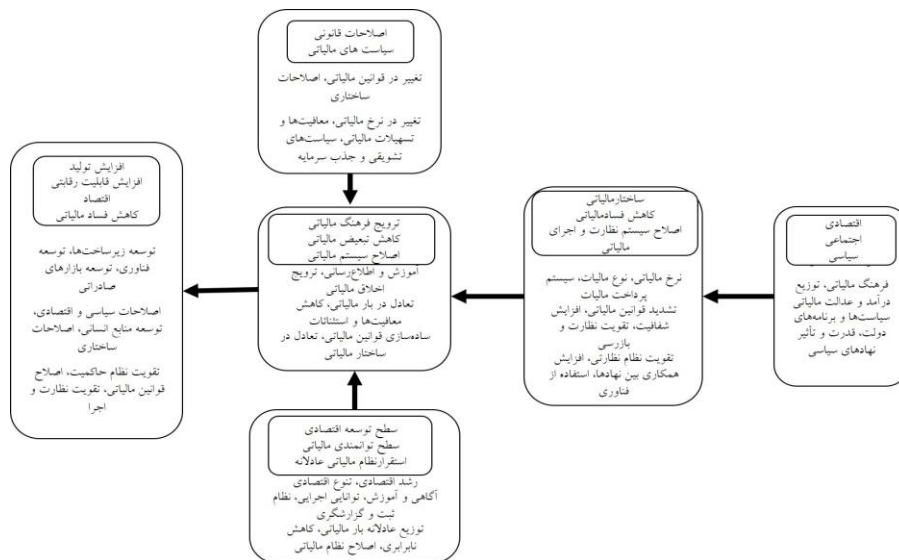
نوع مقوله	مقوله های عمده	مقوله ها	مفاهیم
		تغییر در نرخ مالیاتی، معافیت‌ها و تسهیلات مالیاتی، سیاست‌های تشویقی و جذب سرمایه	نرخ مالیاتی، معافیت‌ها، مبانی درآمدی، اتخاذ سیاست‌های مالیاتی، جذب سرمایه خارجی
(پیامد)	افزایش تولید افزایش قابلیت رقابتی اقتصاد کاهش فساد مالیاتی	توسعه زیرساخت‌ها، توسعه فناوری، توسعه بازارهای صادراتی	بهبود زیرساخت‌های اقتصادی، شرایط مناسب برای افزایش تولید، توسعه فناوری‌های نوین، بهبود کارایی و افزایش تولید. توسعه بازارهای خارجی، ترویج صادرات.
		اصلاحات سیاسی و اقتصادی، توسعه منابع انسانی، اصلاحات ساختاری	اصلاح ساختارهای سیاسی و اقتصادی، توسعه اقتصادی و افزایش قابلیت رقابتی. توسعه و ارتقاء سطح آموزش و مهارت‌ها، ترویج نوآوری و کارآفرینی، اصلاح ساختارهای اقتصادی و اصلاحات در نظام مالی
		تقویت نظام حاکمیت، اصلاح قوانین مالیاتی، تقویت نظارت و اجرا	افزایش شفافیت، اصلاح قوانین و مقررات مالیاتی، عدالت مالیاتی، اجرای سریع و موثر قوانین مالیاتی.

منابع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج کدگذاری مراحل مقدماتی زمینه ساز برای تئوری پردازی، مقوله‌ها به عنوان سازه‌ها و اصول اصلی تئوری می‌باشد، که مقوله‌ها به شکلی نظامند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت روشن شده است، که با کنار هم نهادن مقوله‌ها حول مقوله محوری، به عنوان مضمون اصلی یک روایت تئوریک برای پدیده ارائه شده که بین مفاهیم و مقوله‌ها، ارتباطی نظامند ایجاد شده است.

با تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در پژوهش، در مرحله ابتدایی (کدگذاری باز) تعداد ۶۹ مفهوم در قالب ۴۳ مقوله و ۱۷ مقوله عمده از محتوای رونویسی شده مصاحبه‌ها استخراج گردید. همچنین کدگذاری انتخابی و کدگذاری محوری نیز انجام شد. از میان عوامل شناسایی شده،

پارادایم کدگذاری محوری انجام شد و بر اساس آن ارتباط خطی میان مقوله‌های پژوهش شامل شرایط علی، مقوله‌های محوری، شرایط زمینه‌ای، مداخله گر و پیامدها مشخص شد. شکل ۱، پارادایم کدگذاری محوی و به عبارت دیگر مدل فرآیند کیفی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱- مدل‌سازی تبیین الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی

منابع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج بدست آمده از تبیین الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اجرای اصلاحات ساختار مالیاتی، کاهش فساد مالیاتی، اصلاح سیستم نظارت و اجرای مالیاتی، ترویج فرهنگ مالیاتی، کاهش تبعیض مالیاتی، اصلاح سیستم مالیاتی، استقرار نظام مالیاتی عادلانه، اصلاحات قانونی و سیاست‌های مالیاتی منجر به بهبود قابل توجهی در درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی می‌شوند. این تغییرات همچنین می‌توانند توسعه اقتصادی و افزایش توانمندی مالیاتی را تحقق دهند، فساد مالیاتی را کاهش دهند و قابلیت رقابتی اقتصاد را افزایش دهند. بنابراین، اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی و تدابیر مرتبط با آنها برای بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی بسیار حائز اهمیت

هستند. الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی، به‌عنوان یک رویکرد نوین در مدیریت مالیاتی، به منظور افزایش درآمد مالیاتی و بهبود عملکرد اقتصادی و اجتماعی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. این رویکرد بر اساس تحلیل رفتاری افراد و شرکت‌ها در قبال پرداخت مالیات، تغییر رفتار آن‌ها را هدف قرار می‌دهد تا عملکرد مالیاتی بهبود یابد. اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی شامل تغییر ساختار و قوانین مالیاتی، تشدید نظارت و اجرای مالیاتی، ترویج فرهنگ مالیاتی و ساده‌سازی سیستم مالیاتی است. این اصلاحات باعث افزایش انگیزه مردم و شرکت‌ها برای پرداخت مالیات می‌شود و فرهنگی سازمانی را برای رعایت قوانین مالیاتی ایجاد می‌کند. از طرفی، تشدید نظارت و اجرای مالیاتی، فرصت‌های فساد مالیاتی را کاهش می‌دهد و بهبود درآمد مالیاتی را به همراه دارد. ترویج فرهنگ مالیاتی نیز با افزایش آگاهی مردم درباره اهمیت پرداخت مالیات و همکاری با نظام مالیاتی، انگیزه‌های اقتصادی و اخلاقی مرتبط با پرداخت مالیات را تقویت می‌کند. این ترویج می‌تواند بهبود قابل توجهی درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی را به همراه داشته باشد. ساده‌سازی سیستم مالیاتی و کاهش معافیت‌ها و استثنائات نیز می‌تواند به افزایش درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی کمک کند. ساختار مالیاتی بهینه و عادلانه، انگیزه‌های اقتصادی و تولیدی را تقویت می‌کند و به افراد و شرکت‌ها انگیزه می‌دهد تا به طور مسئولانه در قبال پرداخت مالیات عمل کنند. با اصلاح ساختار مالیاتی و تعادل در بار مالیاتی، امکان افزایش درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی وجود دارد. توزیع منصفانه بار مالیاتی، بهبود انصاف مالیاتی را به همراه دارد و به افراد و شرکت‌ها انگیزه می‌دهد تا به طور مسئولانه پرداخت مالیات نمایند. سیستم نظارت و اجرای مالیاتی، امکان کاهش فساد مالیاتی و افزایش درآمد مالیاتی وجود دارد. تشدید نظارت و تنظیم مکانیزم‌های پیشگیری و تشخیص فساد، بهبود قابل توجهی در محدود کردن فساد مالیاتی می‌باشد که با ترویج فرهنگ مالیاتی، امکان افزایش آگاهی افراد و شرکت‌ها درباره اهمیت پرداخت مالیات و همکاری با نظام مالیاتی و ترویج ارزش‌ها و اخلاقیات مرتبط با پرداخت مالیات، بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی را به همراه دارد. با ساده‌سازی قوانین مالیاتی و کاهش معافیت‌ها و استثنائات، امکان افزایش درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی وجود دارد. ساختار مالیاتی بهینه و عادلانه، انگیزه‌های اقتصادی و تولیدی را تقویت می‌کند و به افراد و شرکت‌ها انگیزه می‌دهد تا به طور مسئولانه در قبال پرداخت مالیات عمل نمودند. بنابراین، با توجه به این نتایج، اجرای اصلاحات رفتاری در نظام مالیاتی می‌تواند بهبود قابل توجهی درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی را به همراه داشته باشد و این بهبودها از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قابل توجیه است. به طور کلی، اصلاحات رفتاری در نظام مالیاتی می‌تواند منجر به بهبود قابل توجهی درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی شود. این بهبودها از

لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قابل توجه است و به تحقق توسعه پایدار و توازن اقتصادی می‌تواند کمک نماید.

پیشنهادهات

برنامه‌های آموزشی و ترویجی را برای افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت پرداخت مالیات و تاثیر آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی برنامه‌ریزی کنید. این برنامه‌ها می‌توانند شامل کمپین‌های تبلیغاتی در رسانه‌ها، برگزاری کنفرانس‌ها و سخنرانی‌ها، توزیع مواد آموزشی و ایجاد وبسایت‌ها و اپلیکیشن‌های اطلاع‌رسانی باشد.

اقدامات قانونی و سیاسی را برای تشدید نظارت و اجرای مالیاتی در نظام قضایی و نظام مالیاتی بگیرید. این شامل تقویت تیم‌های بازرسی مالیاتی، تشدید پیگیری و تحقیق در مورد تخلفات مالیاتی، تشدید مکانیزم‌های پیشگیری و تشخیص فساد و افزایش همکاری با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است.

ساختار مالیاتی را ساده‌تر و عادلانه‌تر کنید. با بررسی و اصلاح قوانین مالیاتی، معافیت‌ها و استثنائات غیرضروری را کاهش دهید و بر روی عدالت و تعادل در بار مالیاتی تاکید کنید. این اقدامات می‌توانند انگیزه مردم و شرکت‌ها برای پرداخت مالیات را افزایش داده و درآمد مالیاتی را بهبود بخشند.

استفاده از فناوری‌های نوین در سیستم مالیاتی، نظارت و اجرا را بهبود می‌بخشد. ایجاد سیستم‌های الکترونیکی برای ارسال و پرداخت مالیات، استفاده از هوش مصنوعی و تحلیل داده‌ها در تشخیص فساد و بهبود نظارت را تسهیل می‌کند.

همکاری با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مالیاتی می‌تواند در تطبیق با استانداردهای بین‌المللی، تشدید نظارت بر تراکنش‌های بین‌المللی و مبارزه با انتقال سودهای غیرقانونی کمک کند. این همکاری می‌تواند بهبود درآمد مالیاتی را به همراه داشته باشد.

منابع

۱. جهانگیروند، عبدالحمید، شورورزی، محمدرضا، نوری توپکانلو، زهرا (۱۴۰۰). ارائه الگویی جهت تبیین نقش معافیت مالیاتی و تصمیمات تامین مالی و سرمایه گذاری بر عملکرد شرکت های سرمایه گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیر آباد، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، (۳۶)، ۳۵۳-۳۸۱.
۲. ضیایی، زهرا، مهاجرى، پریسا، نصیری اقدم، علی (۱۳۹۵). اثر تشریک اطلاعات بر نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۶(۶۳)، ۱۱۹-۱۴۶.
۳. کرسول، جان دیبلو (۱۳۹۸). طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی. مترجمان علیرضا کیامنش و مریم دانای توس، تهران: جهاد دانشگاهی (دانشگاه علامه طباطبائی)
۴. کریمی، سجاد، محمدی، احمد، متقی، علی اصغر، عرب صالحی، مهدی (۱۴۰۱). ارزیابی و رتبه بندی عوامل اقتصادی و مالی موثر بر شفافیت مالیاتی شرکت ها از طریق بکارگیری روش بهترین و بدترین سلسله مراتبی، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، (۴۰)، ۱۶۳-۱۹۲.
۵. گرابی نژاد، غلامرضا، چپردار، الهه (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر درآمدها مالیاتی در ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، ۶(۲۰)، ۶۹-۹۲.
۶. مکیان، سید نظام الدین، توکلیان، حسین، نجفی فراشاه، سید محمد صالح (۱۳۹۸). بررسی اثر شوک مالیات های مستقیم بر تولید ناخالص داخلی و تورک در ایران در چارچوب یک مدل تعادل عمومی پویایی تصادفی، فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۳(۴۹)، ۱-۴۵.
۷. مهاجرى، پریسا، طالبلو، رضا، ستاره ای، لیلا (۱۳۹۹). شناسایی عوامل موثر بر نسبت مالیات بر ارزش افزوده به تولید ناخالص داخلی با تاکید بر حد آستانه ثبت نام، پژوهشنامه مالیات، ۴۵(۹۳)، ۷-۳۵.
۸. نظری، علیرضا؛ فدایی، ایمان (۱۳۹۲). آسیب شناسی نظام مالیاتی ایران، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، ۱(۴)، ۹۵-۱۱۰.
9. Bhalla, N., Kaur, I., & Sharma, R. K. (2022). Examining the Effect of Tax Reform Determinants, Firms' Characteristics and Demographic Factors on the Financial Performance of Small and Micro Enterprises. *Sustainability*, 14(14), 8270.
10. Fatmawati, K. (2022). Gross Domestic Product: Financing & Investment Activities and State Expenditures. *KINERJA: Jurnal Manajemen Organisasi dan Industri*, 1(1), 11-18.
11. Fraumeni, B. M. (2022). Gross domestic product: Are other measures needed?. *IZA World of Labor*. <https://doi.org/10.15185/izawol.368.v2>

12. Hayo, B., & Mierzwa, S. (2022). Legislative tax announcements and GDP: Evidence from the United States, Germany, and the United Kingdom. *Economics Letters*, 216, 110548.
13. Milosavljević, M., Radovanović, S., & Delibašić, B. (2023). What drives the performance of tax administrations? Evidence from selected european countries. *Economic Modelling*, 106217.
14. Mu, R., Fentaw, N. M., & Zhang, L. (2022). The Impacts of Value-Added Tax Audit on Tax Revenue Performance: The Mediating Role of Electronics Tax System, Evidence from the Amhara Region, Ethiopia. *Sustainability*, 14(10), 6105.
15. Murín, M., & Macek, R. (2021). Identifying Growth-Enhancing Tax Reforms in Advanced Countries Using World Tax Index Dataset. In *Proceedings of the International Scientific Conference Economic and Social Policy*, pp. 316-325.
16. Nawaz, F. (2010). "Exploring the Relationships between Corruption and Tax Revenue". In: U4 Helpdesk
17. Saptono, P. B., & Mahmud, G. (2022). Institutional environment and tax performance: empirical evidence from developing economies. *Public Sector Economics*, 46(2), 207-237.
18. Savitska, S., Pravdiuk, M., Dolzhenko, I., Banera, N., & Samchyk, M. (2022). Tax systems of Ukraine and EU countries during the COVID-19 pandemic: current status and prospects. *Independent Journal of Management & Production*, 13(3), 145-160.
19. Schechl, M. (2023). The taxation of families: How gendered (de) familialization tax policies modify horizontal income inequality. *Journal of Social Policy*, 52(1), 63-84
20. World Bank, (2021). "World Development Indicators". Washington D.C: World Bank

